

## فهرست مطالب :

۲	چکیده:
۲	کلید واژگان :
۳	معنای لغوی :
۴	تعریف اصطلاحی :
۵	اهداف ابتلاء:
۷	تشخیص و جداسازی انسانهای پیرو حق از غیر ایشان :
۷	شناسایی مجاهدین و صابرين از غير آنها :
۸	شناسایی معتقدان و متظاهران به اعتقاد :
۱۰	تشخیص بهترین انسانها از نظر عمل :
۱۲	تربیت و تکامل انسانها :
۱۵	تنبيه و تأديب .....
۱۶	عذاب برای کافران و منافقان .....
۱۷	امتحان برای پاداش و عذاب .....
۱۹	نتیجه گیری :
۲۰	فهرست منابع :

چکیده:

یکی از سنّت‌های مهم الهی که در آیات و روایات به آن اشاره شده، سنّت ابتلاء و آزمایش است. نوع خلقت انسان به گونه ای است که شکوفایی استعدادهای وی در پرتو موفقیت در گذراندن شرائط خاصی است که گاه این شرائط در خوشی‌ها ظهور پیدا می‌کند و گاهی در سختی‌ها و ناراحتی‌ها، لذا خداوند با فراهم آوردن زمینه‌ی چنین آزمایش‌هایی، بندگان صالح و اولیای خود را به سمت کمال و سعادت هدایت می‌کند. در این تحقیق پس از بیان تعریف لغوی و اصطلاحی مفهوم آزمایش و ابتلاء در قرآن و روایات، به بیان اهداف آزمایش بندگان پرداخته شده است.

کلید واژگان :

ابتلاء ، آزمایش ، فتنه ، تمحیص ، امتحان

معنای لغوی :

بلی بلی بلی و بلاء از باب علم یعلم در اصل به معنی کهنگی و فرسودگی است (راغب اصفهانی، ص ۶۲) سپس به آزمایش کردن بلاء گفته شده است زیرا هر چیزی در اثر آزمایش های متعدد حالت فرسودگی به خود می گیرد به غم و اندوه هم «بلاء» می گویند چرا که جسم و روح انسان را فرسوده و خسته می کند. راغب در «مفردات» می گوید: «بلی الثوب بلی و بلاء» یعنی لباس کهنه شد و به کسی که سفر کرده است می گویند «بلاء السفر» یعنی مسافرت او را خسته و فرسوده کرد «بلوته» یعنی او را آزمودم مثل این است که از زیادی آزمایش او را خسته و فرسوده کرده ام. در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) سنت آزمایش باتعابیر و الفاظ مختلفی به کار رفته است که برای روشن شدن بهتر موضوع باید به طور مختصر، معنای آنها را ذکر کنیم :

یکی از آن الفاظ، لفظ «فتنه» است این واژه در اصل از «فتن» (بر وزن متن) گرفته شده که به گفته «راغب» در «مفردات» به معنی قرار دادن طلا در آتش، برای ظاهر شدن میزان خوبی آن از بدی است (راغب، ص ۶۲۳) او به گفته بعضی گذاشتن طلا در آتش برای خالص شدن از ناخالصی هاست (طریحی، فخرالدین، ج ۶ ص ۲۹۳) واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن مجید، دهها بار ذکر شده و در معانی مختلفی به کار رفته است :

۱. أصل الفتن: إدخال الذهب النار لتظهر جودته من رداءته، و استعمال فی إدخال الإنسان النار.

۲. الفتنه فی کلام العرب: الابتلاء و الامتحان و الاختبار، و أصله من فتنن الفضه إذا أدخلتها فی النار لتتمیز

گاه به معنی آزمایش و امتحان است ، ١ و گاه به معنی فریب دادن ، ٢ و گاه به معنی بلا و عذاب وارد شده ٣ و گاهی هم به معنی گمراهی آمده ٤ است .

تمحیص ، یکی دیگر از واژه‌های قرآنی است که به معنای ابتلاء به کار رفته است ؛ این واژه در لغت به معنی پاکیزه نمودن اشیاء از آلودگی است . راغب در مفردات می گوید: «اصل المحص تخلص الشی ممافیة من عیب» (راغب ، ص: ٧٦١) یعنی اصل کلمه «محص» به معنی پاکیزه نمودن چیزی است از عیوب آن است .

تعریف اصطلاحی :

«اگر مؤمن مورد امتحان قرار بگیرد و این امتحان موجب تمییز فضائل وی از رذائلش شود و یا آنکه اگر یک جامعه مورد امتحان واقع شود و بدین وسیله مؤمنان از منافقان که از نظر قلب بیمارند ممتاز و جدا گردند نام این امتحان «تمحیص» است و اگر کافر و منافقی که از نظر ظاهر صفات حسنه‌ای هم دارند مورد امتحانات پی در پی قرار گرفته، این امتحانات موجب بروز و ظهور تدریجی پلیدی باطنی

١. أ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (سوره عنکبوت، آیه ٢) .

٢. يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ (سوره اعراف، آیه ٢٧)

٣. يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ (سوره ذاریات، آیه ١٣) .

٤. وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً (سوره مائده، آیه ٤١)

وی و زوال تدریجی فضائل و حسنات ظاهر او گردد نام او «محق» است». ( موسوی همدانی ، سید محمد باقر ، ج ۴ ، ص: ۵۴ )

تعریف بالا تعریفی است که مربوط به یکی از معانی ابتلاء است که با کمی تسامح می توان آن را در مورد ابتلاء با تمام معانی بکار برد .

#### اهداف ابتلاء :

سنت ابتلاء و آزمایش یکی از سنتهای قطعی خداوند تبارک و تعالی است که انسانها را از کوچک و بزرگ و فقیر و غنی ، رئیس و مرئوس ، امام و ماموم ، با روشها و ابزارهای مختلفی از جمله مال ، فرزند ، انبیاء ، فقر ، غنا ، جهاد و ... مورد امتحان قرار می دهد تا معلوم شود چه کسانی مرد میدانهای سخت اند و لیاقت مقامات بالاتر را دارند و چه کسانی لیاقتشان کمتر است .

البته قبل از بیان هدف یا اهداف ابتلاء ، بیان این نکته ضروری است که :

جای تردید نیست که امتحان و آزمایش منسوب به خداوند ، متفاوت با آزمونهای انسانهاست ؛ زیرا انسان با آزمایش می خواهد جهل و نادانی خود را درباره یک موضوعی مرتفع سازد و برای رسیدن به این هدف نیازمند به انجام مقدماتی است که بدون آنها، تحصیل هدف امکان پذیر نخواهد بود اما در مورد امتحان خداوندی ارتفاع جهل معنا ندارد ؛ زیرا او عالم مطلق است و جهل و نادانی به ساحت کبریای او راه ندارد ، بنابراین فلسفه و حکمت ابتلاء و آزمون خداوند غیر از هدفی است که در امتحان انسانی متصور است.

حال که چنین است پس مراد از هدف خداوند و علم او در آزمایشات و ابتلائات چیست ؟

امیرالمومنین علی (ع) در یکی از فرمایشات خود به این سوال اینگونه جواب میدهند :

« آگاه باشید که خداوند از درون بندگان پرده بر می گیرد ، نه آن که بر اسرار پوشیده آنان آگاه نیست ، و بر آنچه در سینه ها نهفته دارند بی خبر است ، بلکه خواست آنان را آزمایش کند، تا کدام یک، اعمال نیکو انجام می دهد ، و پاداش برابر نیکوکاری و کیفر مکافات در خور بدی ها باشد.»<sup>۱</sup> (سید رضی ، خطبه ۱۴۴ ، ص ۲۰۱).

و گروهی از علما و مفسرین در پاسخ به این مطلب می گویند که منظور از علم در اینگونه از آیات ، علم فعلی است نه علم قبل از ایجاد (بیگلی ، ص ۲۱۵).

بعد از بیان این نکته که البته به صورت خلاصه بیان کردیم ، می گوئیم :

با دقت در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) در می یابیم که در اغلب آیاتی که سخن از ابتلاء و آزمایش به میان آمده است فلسفه آن هم بیان شده است ؛ که می توان به طور خلاصه برخی از آنها را به صورت زیر بیان کرد :

---

۱. أَلَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونِ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْنُونِ ضَمَائِرِهِمْ وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فَيَكُونَ الثَّوَابُ جَزَاءً وَ الْعِقَابُ بَوَاءً

۱) تشخیص و جداسازی انسانهای پیرو حق از غیر ایشان :

اولین کارکرد امتحانات خداوند متعال جدا سازی و تمییز است که این معنا در آیات و روایات

به شکلهای مختلف بیان شده است :

الف) شناسایی مجاهدین و صابرین از غیر آنها :

خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره مبارکه محمد (ص) یکی از دلایل ابتلاء را چنین بیان می فرماید :

«به طور قطع شما را آزمایش می کنیم تا مجاهدان و پایداران شما را مشخص کنیم، و رفتارتان را

ارزیابی نماییم».<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی (رحمه الله) در ذیل این آیه می فرماید :

«علت واجب شدن قتال بر مؤمنین، آزمودن آنهاست تا معلوم شود مجاهدین در راه خدا و کسانی که

برسختی و مشقت تکالیف الهی صبر میکنند، شناخته شوند و منظور از «نبلو اخبارکم» این است که تا

صالح از ناصالح متمایز شود».( موسوی همدانی ، سید محمد باقر ، ج ۱۸، ص: ۳۶۶).

و خداوند در آیه دیگر چنین می فرماید :

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می کنیم و

به صبر کنندگان بشارت ده»<sup>۲</sup>

و در آیه ۲۰ سوره مبارکه فرقان می فرماید :

۱. «ولنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلو اخبارکم»

۲. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

« ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبایی می کنید (و از عهده امتحان برمی آید)»<sup>۱</sup>

(ب) شناسایی معتقدان و متظاهران به اعتقاد :

خداوند متعال در آیه ۹۴ سوره مبارکه مائده میفرماید :

« ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می آید، بطوری که) دستها و نیزه هایتان به آن می رسد، می آزماید تا معلوم شود چه کسی با ایمان به غیب، از خدا می ترسد »<sup>۲</sup>

و اینگونه است که درستی و نادرستی ادعاهای انسانها در سختی ها و امتحانات معلوم می شود و حقیقت و باطن او را می نمایاند همچنان که در داستان طالوت نسبت به امتحان سختی که از لشکر ایشان گرفته شد آمده است که :

« و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند آنها (که به هنگام تشنگی،) از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند».<sup>۳</sup> (بقره / ۲۴۹)

۱. وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تُصْبِرُونَ  
 ۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيِّدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ  
 ۳. فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ



و به همین جهت است که خداوند در آیه دوم سوره عنکبوت یکی از فلسفه های آزمایش را چنین بیان میفرماید :

« ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم) تا دروغ گویان از راستگویان جدا شوند».<sup>۱</sup>

چرا که در مقام ادعا هر کس می تواند خود را برترین مؤمن، بالاترین مجاهد، و فداکارترین انسان معرفی کند، باید وزن و قیمت و ارزش این ادعاها از طریق آزمون روشن شود، باید معلوم گردد تا چه اندازه نیات درونی و آمادگیهای روحی با این گفته ها هماهنگ یا ناهماهنگ است؟

همچنانکه «امام حسین (علیه السلام) زمانی که قصد کرد از مکه عازم کوفه شود پیش از حرکت از شهادت خبر داد و تنها کسانی را به همراهی فرا خواند که خود را برای سخت ترین مراحل امتحان آماده کرده بودند ، آن بزرگوار می دانست که آگراز مرگ خبر ندهد ، بسیاری از مردم به امیدهای گوناگون همراهی با کاروان عاشورا را خواهند گزید» . (مهدویان ، حسن - نطنزی ، احمد . ۱۳۸۷ ص ۵۷)

و نظیر این نکته را می توان در ماجرای تغییر قبله هم مشاهده کرد که خداوند متعال می فرماید :

« و ما، آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود».<sup>۲</sup> (بقره ۱۴۳)

که در این ماجرا نیز هدف از امتحان بندگان ، این است که افرادی ایمان حقیقی به پیامبر آورده ان از غیر آنها تمییز داده شوند .

۱. وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ  
 ۲. وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ

واز مصادیق دیگر این نوع از امتحان در ماجرای سامری و جانشینی هارون<sup>۱</sup> و ناقه صالح<sup>۲</sup> و... می توان یافت.

ج) تشخیص بهترین انسانها از نظر عمل :

خداوند متعال در چند آیه از آیات قرآن کریم اشاره به این مطلب می کند که: فلسفه امتحانات این است که انسانها مورد ابتلاء قرار گیرند تا افرادی که افعالشان بهتر است تمییز داده شوند که نمونه ای از این آیات عبارتند از :

در آیه دوم از سوره مبارکه ملک ، علت آفرینش حیات و مرگ را ابتلاء ذکر کرده و فلسفه آزمایش را تمییز بهترین های در عمل بیان کرده و می فرماید :

« آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید»<sup>۳</sup>.

« در سوره " ذاریات " ذیل آیه ۵۶ " وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ هَدَفِ آفَرِينِشِ انْسان " عبودیت خدا " ذکر شده، و در اینجا " آزمایش حسن عمل "، روشن است که مساله آزمون و امتحان از مساله عبودیت جدا نیست، همانگونه که کمال عقل و خدا ترسی و نیت خالص ، روح عبودیت را تشکیل می دهد. به این ترتیب عالم میدان آزمایش بزرگی است برای همه انسانها، وسیله آزمایش، مرگ و حیات، و هدف این آزمون بزرگ رسیدن به حسن عمل، که مفهومش " تکامل معرفت، و اخلاص نیت، و انجام هر کار خیر " است. (مکارم شیرازی ، ج ۲۴، ص: ۳۱۹)

و در آیه هفتم سوره مبارکه کهف در این باره می فرماید :

۱. قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (طه ۸۵)

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَانُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي (طه ۹۰)

۲. إِنَّا مَرْسَلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاصْطَبِرْ

۳. الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

«آنچه را که بر زمین است، ما زینت آن قرار داده‌ایم و همه اینها برای هدف و مراعات حکمتی است

لِنَبِّؤَهُمْ أَنَّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا - تا آنان را بیازماییم که کدام یک نیکوترند.»

تا بدین وسیله کسانی را که به انجام دادن کارهای صالح و شایسته می‌پردازند، از کسانی که مرتکب سیئات و کارهای زشت و ناپسندیده می‌شوند بیازماییم (و از یکدیگر جدا کنیم)»<sup>۱</sup> (تفسیر هدایت،

ج ۶، ص: ۳۶۰)

و در سوره هود چنین آمده است :

«او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب

قرار داشت (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است»<sup>۲</sup>.

و همین معنی در کلام معصومین (علیهم السلام) هم که مفسران حقیقی قرآن اند به چشم می خورد از

جمله کلام امیرالمومنین علی (علیه السلام) که در نامه ای به معاویه چنین می نویسند :

«پس از یاد خدا و درود! همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده، و مردم را در دنیا به

آزمایش گذاشت، تا روشن شود کدام یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده‌اند، و تنها برای دنیا

به تلاش فرمان داده نشدیم، به دنیا آمدم تا در آن آزمایش گردیم و همانا خداوند مرا به تو، و تو را

با من آزمود، و یکی از ما را بر دیگری حجّت قرار داد تو با تفسیر دروغین قرآن به دنیا روی آوردی»<sup>۳</sup>

(نهج البلاغه نامه ۵۵ ص ۴۴۶).

۱. إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبِّؤَهُمْ أَنَّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

۲. وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِنَبِّؤَكُم أَنِّي أَحْسَنُ عَمَلًا

۳. أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَنَّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَ لَا بِالسَّعْيِ فِيهَا أَمْرًا وَ إِنَّمَا وَضِعْنَا فِيهَا لِنَبِّئَكَ بِهَا وَ قَدْ ابْتَلَانِي اللَّهُ بِكَ وَ ابْتَلَاكَ بِي فَجَعَلَ أَحَدَنَا حُجَّةً عَلَى الْآخَرِ فَعَدَوْتَ عَلَيَّ [طَلَب] الدُّنْيَا بِتَأْوِيلِ الْقُرْآنِ

و در نهایت اینکه خداوند در آیه ۷۹ سوره مبارکه آل عمران به صورت صریح می فرماید :

«چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذارد مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا

سازد»<sup>۱</sup>.

که اشاره به این دارد که خداوند انسانها را رها نمی کند بلکه پیوسته آنها را آزمایش می کند تا

انسانهای طیب و پاک را از افراد خبیث و ناپاک تمییز دهد .

## ۲) تربیت و تکامل انسانها :

قبلا در معنای لغوی فتنه گفتیم : فتنه به معنی قرار دادن طلا در آتش، برای ظاهر شدن میزان خوبی آن

از بدی است ، انسانها هم برای اینکه گوهر وجودشان آشکار شود ، نیازمند این اند که در کوره ی

امتحانات الهی آزمایش شوند تا طلای ناب شوند و از هرگونه ناخالصی ها پاک شوند و این موضوع

در آیات بسیاری از قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) بیان شده است و به سالکان راه

حق نوید داده شده که اگر در امتحانات الهی پیروز شوند ، پاداشهای مختلفی را برای آنها در نظر

گرفته شده است . از جمله است ، امتحانات الهی درباره بسیاری از پیامبران الهی همانند ابراهیم خلیل

الرحمان که خداوند او را با انواع بلاها امتحان کرد که برخی از آنها عبارتند از : مبارزه با بت پرستان<sup>۲</sup> ،

سوختن در آتش نمرودیان<sup>۳</sup> ، هجرت از بابل به فلسطین<sup>۴</sup> ، تنها گذاشتن زن فرزند کوچک خود در

۱. مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ

۲. فَرَأَىٰ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ

۳. قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقَاهُ فِي الْجَحِيمِ

۴. وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ

صحرای سوزان و بی آب و علف مکه و در نهایت به قربانگاه بردن اسماعیل<sup>۱</sup>؛ و بعد از تمام این امتحانات سخت خداوند او را به امامت امت برگزید<sup>۲</sup>.

یا نمونه دیگر امتحانات سخت موسی (علیه السلام) که بارها به شکل‌های مختلف در قرآن به آن اشاره شده است، که موسی بعد از پشت سر گذاشتن آنها و پیروزی در تمام آنها به مقام نبوت برگزیده می‌شود که خداوند به او چنین می‌فرماید:

«در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگردانیدیم، تا چشمش به تو روشن شود و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی»<sup>۳</sup>.

یوسف عزیزمصر و پیغمبر الهی نشد مگر آنکه حسادت برادران و قعر چاه و زندان به جرم بی گناهی و فراق پدر و... را تحمل کرد.

و به همین گونه است، هر کسی که بخواهد به مقام و درجه ای در نزد خداوند دست یابد باید بلاهای سختی را به جان بخرد زیرا معصومین علیهم صلوات الله فرموده اند:

۱. فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا بَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

۲. وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا

۳. إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَ قَتَلْتَ نَفْسًا فَجَعَلْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَ فَتْنَاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدَرًا يَا مُوسَى

«خداوند وقتی بنده ای را دوست بدارد او را در شدائد غرق می کند.»<sup>۱</sup> (الکافی (ط - الإسلامية) ؛ ج ۲

؛ ص ۲۵۳)

و این موضوع تا جایی است که امام موسی کاظم (علیه السلام) یکی از مختصات انبیاء و اتباع انبیاء را امتحان شدن به وسائل مختلف میدانند.<sup>۲</sup>

آری ؛ تنها کسانی می توانند لیاقت دوستی خدا<sup>۳</sup> و سرپرستی بندگان خدا و افتخار کلیم الهی<sup>۴</sup> را داشته باشند که امتحانات سختی را پشت سر گذاشته باشند .

و گفته شاعری که ابیات زیر را سروده است ، نیز اشاره به این هدف از اهداف ابتلاء دارد که گفته است :

هر بلائی را عطائی با وی است      هر کدرورت را صفایی در پی است

زیر هر رنجی است گنجی معتبر      خار دیدی چشم بگشا گل نگر<sup>۵</sup>

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتَّا ( الکافی ( ط - الإسلامية) ؛ ج ۲ ؛ ص ۲۵۳

۲. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَأَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَتْبَاعَ الْأَنْبِيَاءِ خُصُّوا بِثَلَاثِ خِصَالٍ السُّقْمِ فِي الْأَبْدَانِ وَ خَوْفِ السُّلْطَانِ وَ الْفَقْرِ . ( الخصال ؛ ج ۱ ؛ ص ۸۸

۳. وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

۴. كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا

۵. منهج الصادقین ج ۱ ص ۵۵۲

## (۳) تنبیه و تأدیب

گاهی امتحان خداوند به مشکلات و شدائد و مصائب به منظور تأدیب انسان است البته تأدیب در جایی خواهد بود که فرد قابلیت ادب شدن داشته باشد .

خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

« و در هیچ قریه ای پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردم آن را به سختی و بیماری دچار کردیم شاید تضرع کنند و تسلیم شوند».<sup>۱</sup> (اعراف ۹۴)

همانطور که گفته شد منظور از این ظالم کسی نیست که قابلیت ادب نداشته باشد زیرا ابتلاء و مصیبت برای چنان فردی کیفر و مجازات است نه تأدیب و تنبیه.

قرآن در آیه ای دیگر نیز، شدائد و مشکلات دنیوی را عامل تنبیه و تأدیب امت های پیشین می داند و می فرماید :

« ما به امت هایی که پیش از تو بودند پیامبرانی فرستادیم و آنها را با سختی و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید متضرع شوند»<sup>۲</sup> (انعام ۴۲)

همچنین خداوند آل فرعون را به منظور تأدیب به قحطی و خشکسالی دچار نموده است و می فرماید:

«ما آل فرعون را دچار قحطی و کمبود محصول کردیم تا متذکر شوند»<sup>۳</sup> (اعراف / ۱۳۰)

یک مربی به منظور تربیت و اصلاح کودکان گاهی ممکن است آنها را تنبیه و توبیخ نمایند این تنبیهات و عذاب و سرزنش ها، با شرایطی خاص، بسیار کارساز و مؤثر بوده موجب هوشیاری و بیداری و در نهایت اصلاح و هدایت خواهد شد مثل اینکه پدری فرزندش را که برای اولین بار مرتکب عمل

۱. وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ

۲. وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

۳. وَ لَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِّن الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَدْغُرُونَ

اخلاقی چون سرقت و دزدی شده است تنبیه نماید و مورد عتاب و سرزنش قرار دهد بدون تردید این اقدام پدر با رعایت مسائل خاص تربیتی می تواند از تکرار اعمال نابهنجار و سقوط در فساد و جنایت جلوگیری نماید.

امتحان خداوند هم به شدائد و سختی ها در مورد گروهی از بندگان به منظور تأدیب و فلسفه تأدیب هم اصلاح و هدایت است .

#### ۴) عذاب برای کافران و منافقان

امتحانات الهی به همان اندازه که انسان سازی می کند و باعث رشد و شکوفایی مومنان و اولیاء الهی می شود باعث نابودی و غرق شدن غیر مومنان نیز هست زیرا مومند در ابتلائات صبور و شکیب است و با صبر و تحملش ، برای خود ترفیع درجه می گیرد ولی انسان بی ایمان در امتحانات الهی رفوضه شده و تمام هستی خود را از دست می دهد و جهنم را برای خود خریداری می کند .

اگر خداوند ثروت و مال و منال و پست و مقام در اختیارش قرار دهد به گونه ای خود را باخت می دهد و مردود می شود واگر با فقر و تنگ دستی امتحان کند به نوع دیگر .

خداوند متعال در قرآن کریم به این موضوع اشاره کرد و می فرماید :

« و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می گردانیم تا خدا، افرادی را که ایمان آورده‌اند، بداند و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی‌دارد و تا خداوند،



افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند) و کافران را به تدریج نابود سازد»<sup>۱</sup> (آل عمران ۱۴۰-)

(۱۴۱)

و امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «بیماری برای مومن مایه رحمت و تطهیر است و برای کافر عذاب و لعنت»<sup>۲</sup> (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ النص؛ ص ۱۹۳)

#### ۵) امتحان برای پاداش و عذاب

مقیاس پاداش و مجازات خداوند تنها صفات درونی افراد نیست بلکه تا صفات نیک و بد انسان ظاهر نشود نمی توان کسی را به جهت صفات درونی به کیفر رساند و یا پاداش داد و این صفات از طریق افعال و اعمال انسان آشکار می گردد و ظهور اعمال و افعال بدوم اینکه انسان در بوته آزمایش قرار بگیرد امکان پذیر نخواهد بود. (ابتلاء از دیدگاه قرآن و سنت ص ۱۳۹)

امیر المومنین علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

« آگاه باشید که خداوند (احوال) مردم را آشکار نمود نه آنکه بآنچه پنهان داشته‌اند از اسرار و

اندیشه‌هایی که در دل دارند بی اطلاع باشد، بلکه (فرستادن پیغمبران و امر و نهی) برای آن بود که آنان

<sup>۱</sup>. تلك الأيام نداؤها بين الناس و ليعلم الله الذين آمنوا و يتخذ منكم شهداء و الله لا يحب الظالمين، و ليمحص الله الذين آمنوا و يمحق الكافرين

<sup>۲</sup>. عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ وَ لِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَ لَعْنَةٌ...

را بیازماید که کردار کدام کس بهتر است تا ثواب (بهشت) پاداش (کردار نیک) و عذاب (آتش)

کیفر (کردار زشت) باشد» ۱ ( نهج البلاغه (للصیحی صالح) ؛ ص ۲۰۰)

و امام صادق علیه السلام می فرماید :

«آزمایش بر دو قسم است: یکی از آن دو در باره خدا محال است و دیگری رواست، اما آنچه محال

است این است که خداوند ابراهیم را امتحان کرد تا بداند که روزگار او چگونه است، این نوع آزمایش

بر خدا محال است، چون او داننده غیب‌هاست، نوع دیگر از آزمایش این است که او را آزمایش کند تا

او در آنچه با آن آزمایش می‌شود صبر و مقاومت نشان دهد تا آن عطایی که خداوند به او می‌بخشد از

روی استحقاق و شایستگی باشد» ۲. (الخصال ؛ ج ۱ ؛ ص ۳۰۵)

---

۱. أَلَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونٍ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْتُونٍ ضَمَائِرِهِمْ وَ لَكِنْ لِيُبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فَيَكُونَ الثَّوَابُ جَزَاءً وَ الْعِقَابُ بَوَاءً

۲. الْإِئْتِلَاءُ عَلَى ضَرْبَيْنِ أَحَدُهُمَا يَسْتَحِيلُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ الْآخَرُ جَائِزٌ فَأَمَّا مَا يَسْتَحِيلُ فَهُوَ أَنْ يَخْتَبِرَهُ لِيَعْلَمَ مَا تَكْشِفُ الْأَيَّامُ عَنْهُ وَ هَذَا مَا لَا يَصِحُّ لَهُ لِأَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ الضَّرْبُ الْآخَرُ مِنَ الْإِئْتِلَاءِ أَنْ يَتَّبِلِيَهُ حَتَّى يَصْبِرَ فِيمَا يَتَّبِلِيهِ بِهِ فَيَكُونَ مَا يُعْطِيهِ مِنَ الْعَطَاءِ عَلَى سَبِيلِ الْإِسْتِحْقَاقِ

نتیجه گیری :

ابتلاء یکی از سنتهای قطعی خداوند تبارک و تعالی است که همه ی انسانها را امتحان می کند که هدف خداوند در این امتحان را میتوان به طور خلاصه در چند مورد خلاصه کرد که عبارتند از :

۱. تشخیص و جدا سازی انسانهای پیرو حق از غیر ایشان
۲. شناسایی معتقدان و متظاهران به اعتقاد
۳. تشخیص بهترین انسانهای عامل
۴. تربیت و تکامل انسانها
۵. تنبیه و تادیب
۶. عذاب برای کافران
۷. امتحان برای پاداش و عذاب

البته این مطالب مواردی است که ما از آیات و روایات استفاده کرده و در این مجموعه مختصر آوردیم و ممکن است اهداف دیگری هم وجود داشته باشد که ما به علت اختصار این مقاله آنها را نیاوردیم .

در پایان ، روایتی از پیامبر گرامی اسلام ذکر می کنیم که خلاصه ای از مطالب گفته شده در این مقاله در آن آمد است .

«گرفتاری ها برای افراد ظالم زنگ بیدار باش و برای مومنان آزمایش و برای پیامبران اسباب کسب

درجه و برای اولیاء و وسیله کرامت است»<sup>۱</sup>. (بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۶۴ ؛ ص ۲۳۵)

۱. قال النبی (ص) : إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَذْبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلنَّبِيِّاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابن بابویه، محمد بن علی . ۱۳۶۲ ش . الخصال . قم . جامعه مدرسین
- (۳) بیگلری ، مجتبی . ۱۳۸۰ . ابتلاء از دیدگاه قرآن و سنت . چاپ اول . تهران . رمز
- (۴) راغب اصفهانی حسین بن محمد . ۱۴۱۲ ق . المفردات فی غریب القرآن . چاپ اول . دمشق بیروت . دارالعلم الدار الشامیة
- (۵) شریف الرضی، محمد بن حسین . ۱۴۱۴ ق . نهج البلاغه . چاپ اول . قم . هجرت
- (۶) فخرالدین طریحی . ۱۳۷۵ . مجمع البحرین . چاپ سوم . تهران : انتشارات مرتضوی
- (۷) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق . ۱۴۰۷ ق . الکافی . تهران، دار الکتب الإسلامیة
- (۸) : مترجمان . ۱۳۷۷ ش . تفسیر هدایت . چاپ اول . مشهد . بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- (۹) مکارم شیرازی ناصر . ۱۳۷۴ ش . تفسیر نمونه . چاپ اول . تهران . دار الکتب الإسلامیة
- (۱۰) ملا فتح الله کاشانی . منهج الصادقین . تهران . انتشارات علمیه اسلامیة
- (۱۱) موسوی همدانی ، سید محمد باقر . ۱۳۷۴ ش . ترجمه تفسیر المیزان . چاپ پنجم . قم . دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم
- (۱۲) مهدویان ، حسن - نطنزی ، احمد . ۱۳۸۷ . نگاهی قرآنی به آزمونهای الهی . چاپ سوم . تهران . کانون اندیشه جوان .